





بسم الله الرحمن الرحيم

<p>کنن او اسکر نعمت الله          بکشال لب محمد <small>سندنا محمد رسول</small> تزویج و قبول          که جز او نیست در حقیقت شاه          هر که دانسته است مردانست          ورنه در هر طریق گمراهی          شدیم و مومن و موالی باش          مشواند فصل و فرع آن <small>ایمان آورده</small> فصل          سیکند حافظی بیان بشنو</p>	<p>ای دل اول بگو تو بسم الله          بعد حمد رضا و نعمت رسول          شاه مردان علی ولی الله          زمین رحمت دین شاه مردانست          جعفری باش گر خدای خواهی          دوستدار علی عالی باش          گریز است هر دین در دل          سخن حق بگویش جان بشنو</p>
---	---

در بیان عقاید اصول خمس گوید

ای مکلف اصول بن بست **در هر کس که غیر از این است**

**در بیان احوال خمسہ گوید**

ہست توحید خالق را اور باز عدل و بنوشت و گر

اصل چہ راہم است بیان کہ بدین اصل کامل است ایمان

اصل خمسہ کہ نیست غیر معارف یاد گیر و بدان طریقی رشاد

**در بیان تفصیل اصول خمسہ گوید**

گردانے توئے توحید رو کنی سو سے عالم القدر بہ

و کفر مینہ و جهان است یکہ بستیش و اجابت نیست شکل

**در بیان احکام خمسہ گوید**

ثابت ذات اوست ہشت عددہ ہی و مددک و گرفت یم بذات

عالم و قادر است بہرہ چینہ سگم مرید و صداقی نیند

**در شمای حق سبحانہ تعالیٰ گوید**

خالق جن و انس ارض و سما صد و واحد است بے ہمتا

**در بیان صفات پیر باری**

نیست اورا شریکات و صفات نیست زایدہ صفات اور ذات

است مطلع برہ

کتاب

نہ ہستی  
و نہ  
انہ  
نہ ہستی  
و نہ  
انہ  
نہ ہستی  
و نہ  
انہ

کاره از فعلها سے تازیبا	ت پروردگاریت پرورد
غیر او صانع و و عظیم نیست	نیست محتاج و و یدین غیر نیست
نه مرکب نه جسم نه مری است	نیست محتاج و و جای خلوت نیست
در مکان و نسبت بدان اورا	که بر او این صفات نیست پرورد

**در بیان حسن دل و سچان گوید**

عادل است و کمال عدل از دست	هر چه او میکند همه نیکو است
از قبایع منزه است مدام	کرده لعنت بر اهل ظلم تمام
همه اشیا با عدل او است گواه	بچرخ رانگی کند گمراه
بزدلو بد هیچ ذات ستم	نیست ماضی به کفر کافر

**در بیان نبوت انبیاء گوید**

فرد در کس سخن با داده	بعد از ان انبیاء منزه ستاده
تا نایب راه راست است	که همه نادمی اند راه است

**در بیان نبوت پیغمبر صلی الله علیه و آله گوید**

شیخ با محمد عزیزی است	کلی و ناسخه و مطبلو
بنا نادمی راه دین است	بصفت خاتم النبیین

راه او بخلات ما به خداست  
سجرات نبی فراوان است

شرع او ناسخ شرعهاست  
یکی از معجزات قرآن است

در بیان امامت امامان گوید

بعد سلطان ابیاست امام  
سلطان پسران مراد از علی است  
بر وجه پیغمبر از خدا آورد  
امام آوردی  
و ربه این امام بر حق است  
و کدش حضرت امام حسن  
بعد او حضرت امام حسین  
بعد ایشان علی زین عبا  
بست دیگر محمد باقر  
بعد او است بعضی صاوق  
بعد او است نه سی کاظم  
یعنی از خاندان  
مادنی است همین امام رضا است  
بعد ایشان محمد است تقی  
بعد ایشان عسکری است شاه امام

شاه مردان علی علیه السلام  
از ره مسلم او بها آورد  
مصطفی را وصی مطلق او است  
یعنی اناندر کفایت که چنانچه  
مادی ما است بعد او ابی طاهر  
چون پدر است مادی تقیین  
یعنی زین العابدین  
کعبه شکل قوم مادی  
یعنی مومنان  
مادی حنیف اول حشر  
حجت حق بر راستی ناطق  
در نظام امور دین فاطمه  
بر همه حشوق بر نهانی هدایت  
است بعد از تقی علی  
باز همه ی علیه العباد

در بیان امامت امامان گوید

<p>همه هستند چون بیج معصوم در همه عمر زلفت و عصیان سج نقصان رو در ایشان نیست</p>	<p>این اما مان که کرده معلوم نیست ممکن که سرزند ز ایشان فعل ایشان بسود و نیسان نیست</p>
--	---

در بیان معاد گوید

<p>تا شود بر تو مشکلات آسان بر همه خلق اول و آخر سومن آنکس بود که این فایده</p>	<p>جهد کن معنی معاده بدان کردگار جهان بود قادر چون بسیرند زنده گردانند</p>
---	--

بعد از تمام اصول در بیان طهارت گوید

<p>چون خدی پاک راه دین سیرد اهم غسل و تسبیح است و وضو</p>	<p>از طهارت کنون سخن بشنو آن طهارت که هست پاکی از و</p>
---	---

در بیان موجبات وضو گوید

<p>می شناس و مباش غاشل از و که برون آید از برومت اد آنچه نقصان عقل و هوش کند مس بیت ازین قبیل شناس</p>	<p>یا زده چیز موجبات وضو بول و غافل شناس دیگر باد خواب کان منع چشم و گوش کند استحاضه است نیز حیض و نفاس</p>
--	---

در حدیث چشم و در طهارت ملک

کتاب در حدیث چشم و در طهارت ملک

### در بیان شمار واجبات که باید

واجبات و صفو و روانه است  
 نیت نیت و بحکم آن بودن  
 آب پاک و شستن آن  
 پیش سراز محل شستن مو  
 آنچه ابهام گیرد و وسطی  
 از مرفق دوست خویش شوی  
 مسح هر چون کنی و مسح دو پاسی  
 غسل پا غسل میان باشد  
 ز سراز جهالتت آسب  
 مسح کن پاسی راست را اول  
 بعد از پاسی آب بر اعصاب

گر ندانسته تراکت است  
 غیر مغضوب هم مکان بودن  
 بعد از آن بروی شستن است بدان  
 تا ذوق یا شدت و رازی موسی  
 صد روی تو باشد از پهن  
 تا سر انگشت و راه عکس میو  
 سینا ز غسل پاسی پاسی  
 هر که پاسی شست متنی آن باشد  
 گر موالات دانی و ترتیب نما  
 بعد از آن پاسی چپ مباش و شکل  
 شو ما شستن نفس خود تنها

### در بیان تحقیق غسل کوید

گر غسل چنانست آری رومسے

بدن خویش را تمام بشوے

در بیان غسل اجماعی گوید

پس نیت درون آب در آید  
 این مقدار از اعضا

آردی از غسل از نیت بجای  
 غسل باشد رو با نیت ما

در بیان غسل ترتیبی و واجباتش گوید

شوازه واجبات او غسل  
 نیمه راست و انگشت زدن  
 عورتین را بر دو جانب شوی  
 نیت غسل را مقارن دار  
 در مکان مسباح ماواکن  
 واجباتش دوازده به ششم  
 مسح کردن حدت در آن هنگام  
 شوی با شرب نفس خود در کار

غسل ترتیب گرفته اید  
 بعد نیت بشوید و گردن  
 بعد آن نیت دیگری خود شوی  
 پس غسل سراسر نکو کردار  
 آب پاک و مسباح پیدا کن  
 هست ترتیب واجباتی هر دو  
 بعد تحلیلی از ذوی الایهام  
 بعد از جاری آب از مختار

در بیان غسلهای واجب گوید چند اند

بشواز من مباش از آن حال

بشواز من مباش از آن حال



چاره غسل استخوانچه بود  
پنجشنبه غسل مسس میت دان

دانه آن دن که راه شمع در روز  
غسل میت را شش فاضل از آن

در بیان کیفیت غسل میت

در مکان تو که نباشد آب  
چون نیایی شستو زنده سخن  
شده نیم بدل از غسل و وضو  
میت و بعد از آن دو دست بزرگ  
ضرب واحد اگر بدل از وضو است  
زونی از برای مسح دست  
مسح پیش سرست و پیشانی  
بعد از آن مسح پیش دست بود  
یک از بند تا سر انگشتان  
از کف دست بسج دست پیر  
شعش کن دست راست را اول  
خاک پاک و مساج می باید

از سبب هر طرف بشتاب  
وقت داخل چه شد نیم کن  
واجب استش همین بود و وضو  
دن بشد طیکه خاک باشد پاک  
بدل غسل را دو ضرب بگوست  
زونی از برای مسح دو دست  
تا با علامت انگشت گردانی  
دانه آنکس که راه شمع رود  
مسح باید کشید یکبار  
باز تر شیب را بنگه مسج  
بعد از آن دست چپ را شست  
در مکان مساج می شست

<p>از موالات هم مضمون مثل بچه تحویل بچه مانع آب تا طهارت نماند و حاصل باشد در وضو که دست صواب</p>	<p>از موالات هم مضمون مثل بچه تحویل بچه مانع آب تا طهارت نماند و حاصل باشد در وضو که دست صواب</p>
<p><b>بیان نجاسات گوید</b></p> <p>و بود امر پس نجاست نیست آب انگور چون بر آرد جوش دفع و خون بدفع اینها کوشش عائذ و بطل مانع و مسک</p> <p><b>در بیان مطهرات گوید</b></p>	
<p>گر بدانی ترا نجاست ده است آب و خاک و زیادت و نقصان آفتاب است ای بلند مقام</p>	<p>تسبیح مطهرات ده است التمس است انتقال بدین آتش و استحال و اسلام</p>
<p><b>در بیان افعال نماز گوید</b></p> <p>فعلها سه نماز ای عاقل نیت و بعد از آن بود تکبیر هفت با قدم باش زان عاقل قرات است و قیام یاد بگیر هم سجود و تشهد است و سلام پس بگو</p>	
<p><b>در بیان ارکان نماز گوید</b></p>	

یک اذان جمله پنج رکعت باشد	اهل اسلام یکسب باشند
بیشتر بگیرد مسجدین و بجا هر	نیت و بار کوع گشت تمام

**در بیان عدد رکعات نماز گوید**

عدد رکعت نماز بدان	تا شود بر نو طور باشش عیان
صبح و شام سه عشا است چهار	ظهر و عصر است در عدد هسم چهار
هفته اندر حضرت بود ایچ بیان	پازده در سفر نکوسیدان

**در بیان طریق گزاردن نماز گوید**

چون طهارت ترا میسر شد	بدن و جامه ات مطهر شد
فعلیه است نماز دانستی گو	فرق از یکدیگر توانستی گو
جست قبله ات چو شد ظاهر	خیز و نکر نماز کن آشنه
رو بر رگاه کبریا آور	روش بندگی بجا آورم گو
بر مصلای پاک گیر تزار	از گنا بان خود کن استغفار
بانگ وقت بگوئے بهر نماز	بعد ازان در حال و صو کن بنیان

**در بیان نیت نماز گزاران میگوید**

نیتی کن بهایریتها احسلاص	که شوی از خودی خویش خلاص
--------------------------	--------------------------

بہد بگیر و رشتہات کوشش	معیشت را بقیم و باش بہوشش
مطمئن باش در قیام و رکوع	بادل و جان پر خضوع و ششوع

### در بیان تشریح رکوع و سجود

ذکرش ہو در رکوع بگو	عادت نہ رضا سے حق پہ سجو
---------------------	--------------------------

### در بیان تحقیقات سجدہ گوید

چون نئی از من از سر بسجود	از پر اسے عبادت مسجود
ہفت تا اعضا سجدہ را بشمار	کہ ہائے نماز راست باس
ہر دو کتھا سے ذات پہ پیشانی	ہر دو نواست تا یقین دانی
وہ ڈانگشت پایود دیگر	کش از حکم سے شارع سر
عضہ یار ایجا و موپیش تمام	بنہ اندہ سجود و گیسہ آرام
ذکر سبحان ربی الا عسلار	و بحدہ بگو سے اسے دان
سر مندی بہ آنچه باشد پاک	خاک یا انگہ رسد دست از خاک
آنچه پوشند یا خورند انام	سجدہ بروی بود حسام حمام
بہ تشہد دگر کشا سے زبان	وہ شہادت بگویی از پیے آن
صلوات رسول و آل رسول	کوئی بر صورت کوشد نہ

## در بیان سلام میگوید

سلام از نماز بیرون آسے

بعد از آن در دخولش بارچاسے

## در بیان اول وقت نماز

چون به تعقیب لب کشائی باز

نوبت آن بود که بسبب آن

آنچه تعیین نمود شیخ علا

آن بخوانی که باشد تداوی

هیچ شیخ نیست اسے دانا

بزرگ شیخ حضرت دمرا

## در بیان مشافعات نماز میگوید

بمانند اکنون مشافعات نماز

ای که در مانده برآه نیاز

همگی است بست و پسنج ایزاد

کن تو احصا سفین کم و نه زیاد

آنچه باطل شود طهارت از آن

باطل از وسے بود نماز بدان

پشت بر مشله بر نماز کنی

باطلست از چه با نیاز کنی

پیش وقت از کنی نماز بدان

آن نماز است نظام الطیب لایان

شک اگر در دور کعبت او نیست

باطلست آن نماز و ترک او نیست

شک بود بطلس جا عاده <sup>چهارم</sup>

ای جوان در نماز شام و صبحان

گر پس مکان تو و بنوعوب

کی شود حاصلت بدان مطلوب

<p>چون سبک است طویل نیز مختل          باطلست او و ناپسندید است          تا نشوئی مغشوش از گذار          باطلست آن نماز نیست روا          گردد و حرمت باطلست آن اهم          باطلست آن نماز تا او است          همچو تطبیق و کشف عورت هم          جهد کن تا شوی از جهل بر ما          است عذر آنچه معتقد باطل          کم نمودن چیزی که از ارکان          بعد فصل منحل نمودن یا در          مطلقاً باطل نماز بدان          قول حدیث نیست هیچ دروغ          یا تقاضا که مانع فرضت است</p>	<p>است فعل کثیر مبطّل          بی تکیه اگر پیش روی دست          در نجس باشد بدین زینهار          اگر کنی اکل و شرب <sup>در نماز</sup> هم          جز و عادت از و قرآن هم          اگر تو از قبل رو بگردانی          و ریش و اجینی زیاد و کم          باطلست اگر کسی که نماز          اگر چه از بعد و بنویست مختل          عذر <sup>چیزی که</sup> گفت پس از آن          آنچه <sup>در</sup> رجب زیاد          پس نمودن زیاد رکعت آن          بدیه حفظ اولین بلوغ و          بی بر بختی ندادن فرضت</p>
<p>در بیان شکایات نماز میگوید</p>	

معوضت شک بجز در این تعیین  
 از میان دوسه قوفاری شک  
 بر سه رکعت بنا بکن بتیم  
 از ترا شک میان سه و چهار  
 پس دور رکعت نشسته یا ایستاده  
 شک بود اگر میان دو و چهار  
 بعد اتمام آن نماز بخوان  
 در میان دوسه است چهار  
 من بنا بر چهار و گویے سلام  
 هم دور رکعت نشسته یا ایستاده  
 در میان چهار و پنج هر یک  
 بعد اتمام آن دو سجده سهو  
 در چنین شک تراست بعد رکوع  
 در سجده تین سهو بجایسه  
 در چنین شک بخاطرت دائر

آنچه واجب شود گشت تعیین  
 در نماز سجده تین بیشک  
 کن سیکه یا دور قعود تمام  
 میشود بر چهار داره ۴ ارض  
 ایستاده گذار می اسے بر نا  
 کن بنا چهار اسے در دار  
 ایستاده دور رکعت ای جانان  
 در اكمال سجده تین ناچار  
 پس دور رکعت گزار جان بقیام  
 من از حکم شرع بیرون پاسے  
 بخود حکم هر سیکه بیشک  
 هست کن احتیاط آن بے لهو  
 کن تمام احوط آنکه حال خضوع  
 هم نماز خودت اعاده نماسه  
 بر تو پیش از رکوع شد ظاهر

<p>صیقلها گزشتند یا در ببار          پا گزارد بشاره راه یکتا</p>	<p>در میان چهار          در این نشانی است تعلیقین</p>
--	---

